

گرامت مضاعف

سؤال‌های واضح و

پاسخ‌های غیرشفاف

● فرانک آرتا؛ جدال بی‌پایان حوزه هنری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر سر عدم تمکین نمایش برخی فیلم‌های مجوزدار کشور، همچنان این سؤال کلیدی را مطرح می‌کند که مگر طبق قوانین کشور، تنها مرجع رسمی در دادن مجوز به فیلم‌ها، سازمان سینمایی وزارت ارشاد نیست؟! پس چرا نهادی مانند حوزه هنری از نمایش برخی از فیلم‌ها استنکاف می‌کند؟ درست است که حوزه هنری با توجه به بودجه و امکانات بالفعل خود - ۹۶ سالن سینمای باکیفیت در سراسر کشور و سازمانی مستقل در تولید فیلم‌ها و... - خودش سازمان عریض و طویلی مانند وزارت ارشاد است که هم فیلم تولید می‌کند و هم امکانات پخش آن را دارد، حالا با این نگاه مگر در کنار امکانات هر سازمانی، نباید قوانین ضد تراست وجود داشته باشد تا هر شخصیت حقوقی قدرتمند و صاحب امکانات نتواند بر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی ضعیف‌تر مستولی شود؟ با وجود سؤالاتی از این دست پنجشنبه گذشته اول تیرماه در برنامه سینمایی «چشم شب روشن» به مدیریت اکبر نبوی مناظره‌ای میان حمزه‌زاده، قائم‌مقام، رئیس و معاون سینمایی حوزه هنری و مهرداد فرید، کارگردان سینما و دبیر شورای عالی تهیه‌کنندگان شکل گرفت. حسن این برنامه این بود که مسئول حوزه فقط به اعلام نظر خود پرداخت تا دست‌کم مخاطبان برنامه با دیدگاهشان بیشتر آشنا شوند. نکته جالب این بود که محمد حمزه‌زاده در برابر محکوم‌کردن تحریم فیلم‌ها از سوی حوزه هنری از سوی مهرداد فرید چنین واکنش نشان داد: «باید توجه داشته باشیم چه کسانی درباره اقدام حوزه هنری در تحریم فیلم‌ها مخالفاند و چه تعداد از این بابت حتی تشکر هم می‌کنند! حوزه هنری سعی داشته فضای مطمئنی را برای خانواده‌ها فراهم کند. ما مدعی هستیم آورده‌هایی برای هنر انقلاب داشته‌ایم و تعداد کارگردان‌های مطرحی که فیلم اولشان را با ما ساخته‌اند، از ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ می‌گذرد. چنین آورده‌هایی از نظر سرمایه‌های مادی قابل مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های دیگر نیست».

چنین تحلیلی این موضوع را یادآوری می‌کند که اگر حوزه هنری حوالی سال ۱۳۵۷خورشیدی به نام کانون نهضت فرهنگی اسلامی به ابتکار طاهره صفارزاده تأسیس شد و پس از چند ماه به حوزه اندیشه و هنر اسلامی تغییر نام یافت و در ابتدای دهه ۱۳۶۰ به سازمان تبلیغات اسلامی پیوست، از همان ابتدای فعالیتش تاکنون آورده‌هایی مانند مرتضی آوینی، رسول ملاقلی‌پور، مجید مجیدی، محمدرضا هنرمند و... داشته! پس چرا هریک از آنها به مرور از نگرش حوزه هنری فاصله گرفته‌اند؟ مگر حوزه هنری چگونه عمل کرده که برخی از فیلم‌سازان که اتفاقاً تأثیرگذار بوده‌اند، یا از آن جدا شده‌اند یا برخی هم براساس مطالبات خود به آن دور یا نزدیک می‌شوند؟ این مدیر حوزه هنری در ادامه با طرح این موضوع که «ما مدعی هستیم» سؤالی را مطرح کرد: «هر سال ۶۵ فیلم از صد فیلمی که تقریباً در سال ساخته می‌شوند، مجوز نمایش می‌گیرند. در ۱۰ سال تقریباً ۳۵۰ فیلم ساخته شدند و امکان پخش پیدا نکردند. سؤال من از شورای تهیه‌کنندگان این است این ۳۵۰ فیلم کجا هستند؟ چطور می‌شود که آن ۳۵۰ فیلم را کسی ببگیری نمی‌کند؟ مشکل آنها در چیست؟ ما به‌عنوان سینمادار طلبکاریم. حوزه شرایط و مؤلفه‌هایی برای امکان اکران فیلم‌ها و همچنین بالادستی‌هایی دارد که قطعاً باید متوجه مسائل گوناگون فیلم‌ها فروش بیشتری ندارند؟ به نظر من چون نتوانسته‌اند خواسته‌ها و نیازهای اصلی مردم را برآورده کنند، باید بگویم سانسور مسئله اصلی سینمای ایران نیست، بلکه موضوع و کیفیت فیلم‌ها اصل است.» واقعیت این است که از دل این پاسخ‌ها، برخورداری، دواگانه مدیران حوزه استنباط می‌شود؛ از یک سو بنابر ادعای متولیان حوزه که دغدغه فرهنگی - هنری دارند در تضاد است چراکه آیا اساساً هر فیلمی که فروش کمتری داشته باشد، از نظر حوزه فیلمی فاقد فرهنگ است؟ در این صورت تکلیف فیلم‌های هنری - فرهنگی مستقل که اتفاقاً از فروش چندانی برخوردار نیستند، چه می‌شود؟ ضمن اینکه در گزارشی که قبلاً در «شرق» به چاپ رسیده - ۱۴ مرداد ۱۳۹۵ - به وضوح به این پرداخته شده که ظاهراً بحث فروش فیلم‌های سینمایی برای حوزه هنری نیز پرنزگ‌تر شده و بعد محتوایی فیلم‌ها در اولویت بعدی قرار گرفته است. طبق جدول نشریه

آموزشی و اطلاع‌رسانی مؤسسه «بهمن سبز»، سینماهای حوزه هنری در خرداد سال گذشته، فروش معادل چهارمیلیاردو۶۲۶میلیون و ۲۵۰ هزار ریال داشته‌اند که امسال به رقمی معادل ۲۱میلیاردو۲۵میلیون و ۲۰ هزار ریال در خرداد رسیده است. آقای حمزه‌زاده به اختلال در عملکرد وزارت ارشاد در این برنامه اشاره کرد درحالی‌که واقعیت این است که در این مناظره منظور از هدایتگری حوزه هنری در سینما چندان شفاف نبود. مدیران حوزه نیاز به شفافیت بیشتری در ارائه دیدگاه خود دارند.

درباره فیلم «شاعران زندگی» از مجموعه «کارستان»

صبوری می‌کند و چاره‌اندیشی



عکس: عباس کوری، شرق

لیلی گلستان؛ شیرین پارسی می‌گوید: در آنجا وقتی آب را روی خاک می‌پاشی، بوی خاک اینجا را نمی‌دهد. در آنجا آسمانش مثل اینجا آبی نیست. در آنجا منظره‌هایش به رنگارنگی منظره‌های اینجا نیست.

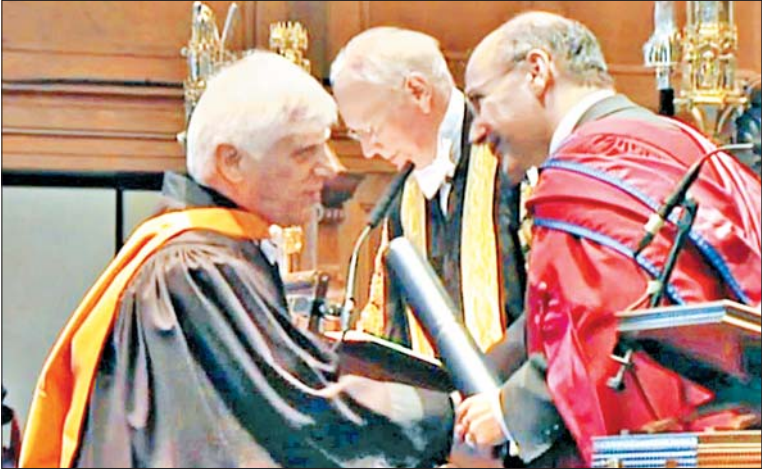
من درسم را در آنجا (فرانسه) خواندم و به خاطر همین چیزها برگشتم. اینجا حرف‌های شیرین، شیرین پارسی است. زنی تحصیل‌کرده در خارج، که به ایران بازمی‌گردد و یگراست می‌رود به شمال و برنج‌کاری می‌کند.

او می‌گوید: وای وای، ساقه‌های برنج را ببینید. رنگ سبزش را ببینید، بوی خویش را حس کنید. چه سبزی! چه رنگی!... او فضایش را دوست دارد، به کارش عشق می‌ورزد و کارش را جدی می‌گیرد. زن‌های روستا را بسیج می‌کند تا با او همراه شوند. تشویقشان می‌کند، دل به دلشان می‌دهد و همه با هم در شالیزار کار می‌کنند و زحمت می‌کشند. نهادهای دولتی هم مدام بنا بر عادت سنگ‌اندازی می‌کنند و مجوزهای لازم را به او نمی‌دهند، به بعد محولش می‌کنند و می‌دانیم که ایسن (بعد) هرگز نمی‌آید و فقط کش می‌آید. چانه می‌زنند، محترمانه اعتراض می‌کند. از جنس آنها نیست و راه آنها را نمی‌رود، راه آنها را دوست ندارد. پس باج نمی‌دهد. مجیز نمی‌گوید. تحقیر هم نمی‌کند، غر هم نمی‌زند. صبوری می‌کند و چاره‌اندیشی و درنهایت (می‌شود). شوهر و دو پسرش هم در این راستا با او همراه و هم‌دل‌اند.

هنر

دانشگاه «سنت اندروز» به «بیضایی» اهدا کرد

دکترای افتخاری ادبیات



ایلنا؛ بهرام بیضایی پنجشنبه اول تیر از دانشگاه سنت‌اندروز اسکاتلند دکترای افتخاری ادبیات دریافت کرد. پژوهشگر، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان برجسته تئاتر و سینمای ایران روز پنجشنبه اول تیر از دانشگاه سنت‌اندروز اسکاتلند که با بیش از ۶۰۰ سال سابقه تاریخی قدیمی‌ترین دانشگاه اسکاتلند به حساب می‌آید، دکترای افتخاری ادبیات دریافت کرد.

این برنامه که به پیشنهاد و با برنامه‌ریزی مدیر کمپیل ادبیات فارسی، سعید طلاجوی و با حمایت پروفیسور علی انصاری (مدیر گروه ایران‌شناسی دانشگاه سنت‌اندروز) به انجام رسید برای بزرگداشت ۶۰ سال فعالیت فرهنگی بهرام بیضایی در عرصه نمایش، سینما و اسطوره‌شناسی ایران انجام شد.

هم‌زمان با بیضایی، پروفیسور آنتونی کوهن (پژوهشگر برجسته مردم‌شناسی) و مایکل پالین (نویسنده، طنزپرداز و برنامه‌ساز برجسته تلویزیون بریتانیا) مفتخر به دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه سنت‌اندروز شدند.

در این برنامه، سعید طلاجوی درباره دیالوگ بیضایی با سینمای ایران در فیلم رگبار، پرویز جاهد درباره عناصر تریلر جنایی در فیلم‌های بیضایی به‌کارگیری شیوه‌های نمایشی و آیینی ایرانی در آثار برجست‌ای که فرهنگ ایران و هویت تاریخی، فردی و جمعی انسان، به‌ویژه انسان ایرانی را از زوایای مختلف بررسی می‌کند، بر هیچ‌یک از ایرانیان اهل نمایش و سینما پوشیده نیست.

گفت‌وگو با محمد حاتمی، نویسنده، بازیگر و کارگردان «پالت»

۴ سال پیش هم همین حرف‌ها را زدیم

رضا آشفته



داشته است.

● **بنابراین تنوع گستره معنایی را در شخصیت‌ها و نحوه حضورشان ایجاد کرده است؟**

زاد.

● **شاید هم به دنبال نوعی بیان عرفانی از جنس ایرانی بوده‌اید؟**

درواقع اصلاً پهلوی می‌زنیم به عرفان؛ اما یک موضوع فلسفی را مدنظر قرار داده‌ایم. سعی کرده‌ایم که این مفهوم فلسفی را خیلی ساده‌تر کنیم و براساس آن خط اصلی قصه را پیش ببریم و دیالوگ‌های اصلی را از دهان شخصیت‌ها بشنویم و سعی کرده‌ایم که خیلی عامیانه این شخصیت‌ها را معرفی کنیم که این آدم‌ها چند چیز متفاوت هستند و خواسته‌ایم آنها را روشنفکرانه ببینیم.

● **چه چیزی در شکل اجرایی هدف‌تان بوده است؟**

ما به دنبال ایجاد یک وحدت هستیم و برای این منظور یک مکان واحد را در نظر گرفته‌ایم که همه اینجا به مطب یک دکتر روان‌گاو رفت‌وآمد می‌کنند و هریک از این آدم‌ها قصه خودشان را دارند و همه اینجا درد درونی و روانی دارند و دچار دندان درد و سردرد نیستند و این مسئله‌شان است و با پرسش مواجه هستند و در پی پاسخ می‌گردند. البته معلوم نیست که مشکل‌شان حل بشود.

● **مثل کارهای قبلی‌تان است. انگار که از منظر روان‌شناسانه مسائل را دنبال می‌کنید.**

بله؛ اما از زاویه‌ای دیگر است. ما به دنبال شکل تازه‌ای از این مسئله هستیم و خودم این مسئله را در کارهایم تکثیر می‌کنم.

● **موسیقی‌تان حال و هوای ایرانی دارد؟**
این کارتان را افتتاح کردند. این حضور را در تئاتراتان

همین فرزانوشیب کم‌دی و تراژدی شکل گرفته است.

از دولت دوازدهم چه انتظاراتی دارید؟

انتظاری که ما داریم برای الان نیست و ما از چهار سال پیش هم همین چیزها را می‌خواسته‌ایم. ما از دولت روحانی حمایت کرده‌ایم و هدف‌مان این است که دولت پشتوانه تئاتر و سینما باشد و بتواند حامی هنرمندان باشد. جامعه تئاتر فرهنگ‌ساز است و مردم با خواندن نمایش‌نامه و دیدن تئاتر با فرهنگ آشنا می‌شوند و دچار رشد فرهنگی می‌شوند و این خود سرآغاز مطالعه‌کردن و رفتن به کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌هاست؛ چون در این فضای سالم فرهنگی مردم نیازهایشان گسترده‌تر می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که دولت در ساختن سالن‌های تئاتر و سینما بیشتر بکوشد و همچنین بودجه مکفی برای رشد تئاتر و سینما در نظر بگیرد.

فرهنگ ایرانی نیازمند حمایت است و دولت باید پیگیر آن باشد. چهار سال قبل هم همین حرف‌ها را زده‌ایم و هنوز هم برآن تأکید می‌کنم، چون هنوز آن‌طور که باید دولت انتظارات هنرمندان را برآورده نکرده اما هنرمندان حامی آن بوده‌اند و باید این حمایت بازتاب جهانی بیابد؛ چون تئاتر در بخش بین‌المللی هم با حمایت‌های دولتی باید با مرادوات بیشتر همراه شود که متأسفانه در این زمینه حمایت‌ها کمتر شده است.

● **با توجه به خصوصی‌شدن فضای تئاتر، دولت دوازدهم برای گذر از بحران این فضا چه باید بکند؟**

الان تنها سالن نیمه‌خصوصی در میان سالن‌ها همین ایرانشهر است که به شکل درصدی از گروه‌ها پول می‌گیرد اما دیگر سالن‌ها این‌طور نیستند. به نظر می‌رسد که ساختن پردیس‌های تئاتری در حاشیه شهر نگیرد جواب‌گوی همه مخاطبان نباشد و بهتر است که در مناطق مرکزی شهر که متمرکزتر هم هست برای رفت و آمد بهتر همه شهروندان، چنین پردیس‌هایی در نظر گرفته شود. در حاشیه‌بودن باعث می‌شود که رفت و آمد به چهار ساعت در ترافیک سنگین منجر شود اما در مرکز شهر چنین نخواهد بود.

● **صحبت شما با مخاطبان نمایش پالت چیست؟**

ما تلاش کرده‌ایم که به بهترین شکل ممکن کارمان را به صحنه بیاوریم و بدون اغراق دوست داریم که آنها با رضایت سالن را ترک کنند و درعین‌حال جای حرف باقی بماند و جای بحث و تأمل برای آن باز باشد.

زیر آسمان فیروزه‌ای

نخستین جشن تولد در غیاب عباس کیارستمی

در ستایش زندگی



● **گروه هنر**؛ «زندگی و دیگر هیچ»، عنوان مراسم نکوداشت عباس کیارستمی بود که به مناسبت فرارسیدن سالروز تولد عباس کیارستمی به همت خانه هنرمندان ایران، انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و مدرسه ویژه پنجشنبه یکم تیر در محل خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

در این مراسم، کتاب «در ستایش زندگی عباس کیارستمی» که شامل گفت‌وگوی امیر اثباتی و محمدرضا بهمن‌پور با عباس کیارستمی و آثار گرافیکی این هنرمند برجسته که به کوشش امراه فرهنگی است و از سوی انتشارات ویژه‌نگار با همکاری انتشارات نظر منتشر شده، رونمایی و نسخه‌ای از این کتاب به بهمن کیارستمی تقدیم شد.

به گزارش روابطعمومی خانه هنرمندان ایران، ابراهیم حقیقی با بیان این مطلب که عباس کیارستمی عضو افتخاری انجمن طراحان گرافیک بود، گفت: ششم اسفند ۱۳۹۴، همراه جمعی از دوستان از جمله لیلی گلستان، میهمان خانه دوستی بودیم و فردای این روز قرار بود عباس کیارستمی برای انجام پاره‌ای از آزمایش‌ها، راهی بیمارستان شود. کیارستمی در این میهمانی مرد بلندقامتی را که هیچ یک از ما نمی‌شناختیم، با خود همراه کرده بود. وقتی مرد برای کشیدن سیگار به بالکی رفت، از کیارستمی درباره او پرسیدیم و او گفت دوستی نوظافته است که ۱۰ روز پیش پسرش را از دست داده است چون اندوهگین بود، او را امشب با خود همراه کردم تا شاید بخشی از اندوهش کاسته شود.

حقیقی با اشاره به آخرین دیدارش با کیارستمی، گفت: وقتی بیماری کیارستمی شدت گرفت، من، خسروی و فرهادی در سفر بودیم و سفر بر ما زهر شد. وقتی برگشتیم، بارها به دیدارش رفتم و این دیدارها تنها به سلام‌وعلیکی خلاصه می‌شد و بعد هم خبر شوک‌آور رفتن را بهمن‌پور به من داد.

امیرالله فرهادی، مدیر مدرسه ویژه، نیز در سخنانی گفت: من هیچ‌وقت شاگرد مستقیم کیارستمی نبودم؛ اما در ۱۷ سال گذشته، به واسطه همسایگی، از او بسیار آموختم‌ام و در این مدت گاه هر روز فرصتی فراهم شده تا ضمن پیاده‌روی، با هم کپ‌گفتنی هم داشته باشیم.

در ادامه مراسم، فیلمی ۵۲دقیقه‌ای براساس گفت‌وگو محمدرضا بهمن‌پور و امیر اثباتی با عباس کیارستمی که در مدرسه ویژه برگزار شده بود، پخش شد. در خلال این فیلم، عکس‌ها و بخش‌هایی از فیلم‌های کیارستمی به انتخاب امیر اثباتی با تدوین مهدی دوانی نمایش داده شد. علی‌اکبر صادقی، به‌عنوان قدیمی‌ترین دوست کیارستمی، به ذکر خاطره‌ای از خود با این هنرمند پرداخت و به سابقه این دوستی از سال ۱۳۳۸ اشاره کرد. محمدرضا بهمن‌پور، مدیر نشر نظر، هم در سخنانی بسیار کوتاه، خاطره طنزی از عباس کیارستمی تعریف کرد و گفت: بهمن کیارستمی در تمام یک‌سال‌ونیم گذشته با مردانگی از هیچ کاری برای پدرش فرو نگذاشت و کتاب «در ستایش زندگی»، هدیه کوچکی است که برای قدردانی به بهمن کیارستمی تقدیم می‌کنیم.

«امروز» میرکریمی در فرانسه اکران شد

● **گروه هنر**؛ فیلم «امروز» ساخته رضا میرکریمی از فتنم ژوئن در پاریس اکران شد. این فیلم که عنوانش در فرانسه به «یک روز نو» تغییر کرده، در زمان نمایشش در ایران مورد توجه منتقدان و سینماگران ایرانی قرار نگرفت، اما تماشاگران و منتقدان فرانسوی آن را اثری اومانیستی با نگاهی ظریف خوانده‌اند. مجله «تله‌راما» نوشته است: «هر پلان فیلم با فکر طراحی و فیلم‌برداری شده است». پخش فیلم به وسیله نسرتین میرشب انجام می‌شود.

محمد لقمانی هنرمند نقاش درگذشت

● **گروه هنر**؛ پیکر محمد لقمانی (مانی)، هنرمند نقاش، صبح پنجشنبه اول تیر تشییع و در قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(اس) به خاک سپرده شد. به گزارش هنرآنلاین؛ پیکر محمد لقمانی با حضور جمعی از هنرمندان، دستداران هنر و بستگان این هنرمند صبح پنجشنبه اول تیر از منزلش تشییع و سپس در قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(اس) به خاک سپرده شد. لقمانی صبح چهارشنبه ۳۱ خرداد در ۴۷سالگی درگذشت. دفتر هنرهای تجسمی درگذشت این هنرمند را به جامعه هنری تسلیت گفت.